

Shahid Bahonar University of Kerman (SBUK)

Vol. 1, No. 1, Spring 2026

Website: jogappolicy.uk.ac.ir

Online ISSN: 3115-946x

Research Article

Received: 24 June 2025

Accepted: 18 September 2025

Explaining Change and Stability in Foreign Policymaking through the Advocacy Coalition Framework (ACF): A Case Study of the Iran-China 25-Year Agreement

Authors:

Seyed Ehssan Najmolhoda¹, Mohammad Reza Yazdani Zazerani^{2*}

1. PhD Candidate of Public Policy, Department of Political Science, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: 4710039224@iau.ir

2. Assistant Professor of Public Policy, Department of Political Science, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author's Email: Yazdani.mrz@iau.ac.ir)

Abstract

In an era of complex strategic interactions, the adoption and continuity of grand foreign policies require a profound understanding of the internal and external stabilizing factors. The 25-year long-term cooperation agreement between Iran and China stands as a prominent example of foreign policymaking that has endured despite domestic and international challenges. This article applies the Advocacy Coalition Framework (ACF) to analyze the reasons for this resilience. The analytical components include the structure and agency of actors within the supporting coalition, a comparison of the strategies of the pro- and anti-agreement coalitions, the impact of major political events, and the process of policy-oriented learning. The findings indicate that the quantitative and qualitative superiority of the pro-agreement actors, coupled with their use of coherent and proactive strategies in reproducing a supportive discourse, have been key factors in stabilizing this agreement. Conversely, the opposing coalition has failed to present a coherent alternative or exert effective pressure. Furthermore, developments in the international environment and the lessons learned from these developments by policymaking institutions have reinforced the priority of cooperation with reliable partners such as China. Consequently, the combination of these factors within this theoretical framework explains the stability of this policy within Iran's foreign policymaking constellation.

Keywords: Policy Making, Foreign Policy, Policy Stability and Change, Advocacy Coalition Framework, International Agreements

Citation: Najmolhoda, Seyed Ehssan, Yazdani Zazerani, Mohammad Reza (2026), Explaining Change and Stability in Foreign Policymaking through the Advocacy Coalition Framework (ACF): A Case Study of the Iran-China 25-Year Agreement. *Iranian Journal of Public Policy*, 1(1), 93-112.

DOI: <https://doi.org/10.22103/jogapp.2026.26461.1009>

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵

سایت مجله: jogappolicy.uk.ac.ir | شاپا الکترونیکی: 3115-946x

تاریخ پذیرش: ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۴ تیر ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تبیین تغییر و ثبات در سیاستگذاری خارجی با رویکرد ائتلاف حامی: مورد مطالعه توافق بیست و پنج ساله ایران و چین

نویسندگان:

سید احسان نجم‌الهدی^۱، محمدرضا یزدانی زازرانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

ایمیل: 4710039224@iau.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(ایمیل نویسنده مسئول: Yazdani.mrz@iau.ac.ir)

چکیده:

در عصر تعاملات راهبردی پیچیده، اتخاذ و تداوم سیاست‌های کلان خارجی نیازمند درکی عمیق از عوامل درونی و بیرونی تثبیت‌کننده است. قرارداد همکاری بلندمدت ۲۵ ساله میان ایران و چین، به عنوان نمونه‌ای شاخص از سیاست‌گذاری خارجی، با وجود چالش‌های داخلی و بین‌المللی پابرجا مانده است. این مقاله با کاربست چارچوب «ائتلاف‌های حامی» به تحلیل دلایل این پایداری می‌پردازد. مؤلفه‌های تحلیلی شامل ساختار و کنش بازیگران درون ائتلاف حامی، مقایسه راهبردهای ائتلاف موافق و مخالف، تأثیر رخدادهای کلان سیاسی و نیز فرآیند یادگیری سیاستی است. یافته‌ها حاکی از آن است که برتری کمی و تخصصی بازیگران طرفدار توافق، همراه با بهره‌گیری از راهبردهای منسجم و فعال در بازتولید گفتمان حامی، از عوامل کلیدی تثبیت‌کننده این توافق بوده است. در سوی مقابل، ائتلاف منتقد نتوانسته است جایگزین منسجم یا فشار مؤثری ایجاد کند. افزون بر این، تحولات محیط بین‌الملل و درس‌آموزی نهادهای سیاست‌گذار از این تحولات، اولویت همکاری با شرکای قابل اتکا مانند چین را تقویت کرده است. در نتیجه، ترکیب این عوامل در چارچوب نظری مذکور، تبیین‌کننده ثبات این سیاست در منظومه سیاست‌گذاری خارجی ایران است.

کلمات کلیدی: سیاست‌گذاری، سیاست خارجی، تغییر و ثبات سیاست، چارچوب ائتلاف حامی، توافقات بین‌المللی

استناد: نجم‌الهدی، سید احسان، یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۴۰۵)، تبیین تغییر و ثبات در سیاستگذاری خارجی با رویکرد ائتلاف حامی: مورد مطالعه توافق بیست و پنج ساله ایران و چین، حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، (۱)، ۹۳-۱۱۲.

DOI: <https://doi.org/10.22103/jogapp.2026.26461.1009>

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

یکی از موضوعات محوری جدید در مطالعات روابط بین‌الملل، مسئله همکاری‌ها و معاهده‌های رسمی منعقدشده میان کشورهای مختلف است که نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط میان کشورها ایفا می‌کند. پایان جنگ جهانی دوم باعث رشد فزاینده همکاری‌های رسمی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، زیست‌محیطی و... میان کشورها شد (سیمونز، ۱۹۹۸: ۷۵)^۱. سازمان ملل تنها طی یک دهه بیش از ۵۰۰۰ هزار همکاری میان دولت‌ها را ثبت کرده است. این در حالی است که از منظر اندیشه‌های سنتی روابط بین‌الملل، شکل‌گیری همکاری میان دولت‌های مستقل ماهیتی چالش‌برانگیز و معماگونه دارد، زیرا دولت‌های ملی خواهان حفظ استقلال خویش هستند (سیمونز، ۱۹۹۸: ۷۵). متأسفانه، علی‌رغم اینکه تعداد همکاری میان کشورها به مراتب بیش از جنگ‌های رخ داده میان آن‌ها است، اما به لحاظ نظری توجه به شکل‌گیری و ثبات همکاری‌ها در مقایسه با مطالعه جنگ‌ها در حاشیه مانده است (تووال و زارتمن، ۲۰۱۰: ۲۲۸)^۲.

بررسی‌های انجام‌شده در خصوص همکاری‌های بین‌المللی، دو نوع همکاری کلی را از یکدیگر متمایز می‌کند. نوع اول، همکاری‌هایی است که پس از جنگ جهانی دوم با محوریت ایالات متحده آمریکا شکل گرفت و ویژگی بارز آن حاکم بودن رابطه هژمون در همکاری است. چنین همکاری‌هایی که با فشار ایالات متحده منعقد می‌گردید، برای چندین دهه ماهیت غالب همکاری‌های بین‌المللی را تشکیل می‌داد (میلوویچ و اسنیدال، ۲۰۱۶: ۷؛ اشنایدر و اورپیلائین، ۲۰۱۳: ۱۳)^۳. اما نوع دیگر همکاری‌ها با محوریت دولت‌های مستقل جدید، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه نظیر چین، هند و اتحادیه اروپا ایجاد گردید که بر مبنای قالب مدیریت جدید است. دولت‌ها در این معاهدات در تلاش برای کسب منافع هستند که تنها از طریق همکاری مشترک به‌دست می‌آید یا حصول آن بدون مشارکت کشورهای دیگر مستلزم صرف هزینه زیادی است. این همکاری‌ها علاوه بر تأمین نیازهای عمومی برای دولت‌ها، قدرت، امنیت و جایگاه بهتری را نیز در پی دارند (تووال و زارتمن، ۲۰۱۰: ۲۲۷). در صورتی که میان دولت‌ها وجه مشترکی در جهان‌بینی، نظام تجارت، اهداف استراتژیک و نظامی وجود داشته باشد، یا سابقه پیش‌زمینه تاریخی فرهنگی مشترکی داشته باشند، احتمال شکل‌گیری همکاری افزایش می‌یابد (لیو، ۲۰۱۶: ۱)^۴.

به‌طور کلی، همکاری و توافق بین‌المللی از طریق یک فرایند مذاکره حاصل می‌شود. طبق دیدگاه مشهور رابرت کیوهان، همکاری با هماهنگ کردن رفتار متقابل و طی مذاکره برای رسیدن به نتیجه‌ای مقبول طرفین شکل می‌گیرد (کتوهین، ۱۹۸۴: ۵۱)^۵. بنابراین دولت‌ها می‌بایست در سیاست‌های خود تغییراتی اعمال کنند تا با سیاست‌های دولت دیگر هماهنگ شوند (دینار، ۲۰۲۲: ۷۶)^۶. بر این اساس، نمی‌توان همکاری را یک پدیده طبیعی دانست که صرفاً به دلیل وجود علایق مشترک حاصل می‌شود، بلکه جنبه انطباق‌پذیری در آن مهم‌تر است. همکاری در نهایت به اعمال تغییرات در سیاست‌های داخلی کشورها منجر می‌شود و حسب سطوح تغییراتی که ایجاد می‌کنند، در ادبیات روابط بین‌الملل با برجسب‌هایی نظیر مذاکرات^۷، متناسب‌سازی^۸، قانونی کردن^۹ و پیروی کردن^{۱۰} شناخته می‌شوند.

¹ Simmons

² Touval & Zartman

³ Milewicz & Snidal; Schneider & Urpelainen,

⁴ Liu

⁵ Keohane

⁶ Dinar

همکاری، علی‌رغم تمام منافع‌ی که می‌تواند برای کشورها در پی داشته باشد، نیازمند صرف هزینه و ایجاد تغییر در سیاست‌های داخلی یک کشور است. این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات زیادی میان افراد دخیل در فرایند اتخاذ سیاست خارجی کشورها شود و بازیگران را ترغیب به جبهه‌گیری و حتی بسیج کردن شهروندان نماید. یکی از مصداق‌های این موضوع را می‌توان در قراردادی که اخیراً میان ایران و چین برای همکاری بلندمدت منعقد شد، مشاهده کرد. در زمان اعلام این همکاری، علاوه بر وجود نظرهای مثبت فراوان، حجمی از مخالفت‌ها نیز شکل گرفت که دامنه آن حتی به بسیج کردن عده‌ای از شهروندان معترض در برابر مجلس شورای اسلامی منجر شد. پژوهش حاضر، با توجه به اینکه سیاست همکاری با وجود تغییر دولت کماکان ادامه یافته و ثبات باقی مانده است، تلاش دارد بر اساس چارچوب توضیح‌دهنده تغییر و ثبات سیاست، موسوم به «چارچوب ائتلاف حامی»^{۱۱}، علت این ثبات را بررسی و تبیین نماید.

۱- پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهش در مورد موضوع را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

الف: سیاست خارجی چین

سیاست خارجی چین در کانون توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل قرار دارد و نظریات زیادی به جهت تبیین نقش این کشور در نظام بین‌الملل مطرح شده است. چین از یک‌سو با دارا بودن ویژگی‌های ارزشمندی همانند تبدیل شدن به پرجمعیت‌ترین کشور دنیا و دومین قدرت اقتصادی جهان، در اختیار داشتن سومین مساحت دنیا و ارتش برخوردار از سلاح هسته‌ای، و از سوی دیگر با دست‌یافتن به پیشرفت‌های زیاد در مدت‌زمانی کوتاه، پرسش‌های زیادی را در حیطه سیاست خارجی مدرن ایجاد می‌کند (هائو، ۲۰۱۵: ۳۴۹)^{۱۲}. ترقی جایگاه کشور چین از یک کشور منزوی به قدرتی منطقه‌ای و سپس به قدرتی بین‌المللی، توانایی اثرگذاری بر کشورهای زیادی را دارد. اما علی‌رغم تغییراتی که در نحوه سیاست‌گذاری چین اعمال شده است، همچنان سیاست‌های خارجی این کشور توسط عده‌ای محدود و به‌صورت متمرکز اتخاذ می‌شود (لانتین، ۲۰۲۰: ۱)^{۱۳}. این در حالی است که چین تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته و ایده‌های زیادی به این سرزمین راه یافته، اما سیاست‌گذاران چینی با محافظه‌کاری در تلاش برای مصون ماندن از جریان‌های سیاسی جدید هستند و نسبت به تحولات جدید در حال وقوع در کشورها نگرانی از خود نشان می‌دهند. تلاش برای حفظ کامل استقلال چین در رأس نگرانی‌های سیاست‌گذاران چینی قرار دارد که در سیاست‌های خارجی این کشور نمود دارد (لانتین، ۲۰۲۰: ۱۱-۱۲).

اما مهم‌ترین تغییر سیاست خارجی چین، افزایش دامنه منافع این کشور در جهان است که به‌طور خاص از سال ۲۰۱۸ و با زمام‌داری رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ^{۱۴}، شتاب گرفته است (لانتین، ۲۰۲۰: ۲). چین تلاش زیادی برای ایجاد گروه‌های همکاری در فضای بین‌الملل انجام می‌دهد. گروه همکاری بریکس^{۱۵}، بانک آسیایی سرمایه‌گذاری در

⁷ Negotiation

⁸ Harmonization

⁹ Legalization

¹⁰ Conform

¹¹ Advocacy Coalition Framework

¹² Hao

¹³ Lanteigne

¹⁴ Xi Jinping

¹⁵ BRICS group (Brazil, Russia, India, China, and South Africa)

زیرساخت^{۱۶} و کمربند اقتصادی راه ابریشم^{۱۷} نمونه‌های شاخص این فعالیت‌ها به شمار می‌روند. در طول تاریخ روابط بین‌الملل، کشورهایی که از قدرت فزاینده‌ای برخوردار می‌شوند محل کسب منافعشان افزایش می‌یابد و چنین الگویی در قدرت جهانی و توانایی‌های چین به چشم می‌آید (لانتین، ۲۰۲۰: ۵). بر همین اساس، نهادهای مرتبط با سیاست خارجی چین در حال تجربه یک دگرگونی هستند تا بتوانند خود را با شرایط جهانی و داخلی وفق دهند. همچنین دیدگاه و ایده‌های دولتمردان چینی در خصوص حوزه بین‌الملل به‌کندی در حال تغییر و بازسازی است (لانتین، ۲۰۲۰: ۵).

همزمان با افزایش قدرت بین‌المللی چین، تلاش سیاست‌گذاران خارجی این کشور برای ایجاد و ترویج هنجارها، ایجاد ساختارهای جدید و مستقر کردن نظام سیاسی جدید در مناطق مختلف افزایش یافته است که بعضاً در تضاد با نگرش و مطالبات کشورهای غربی است (لانتین، ۲۰۲۰: ۱۵). چین همچنین به تدریج در مواجهه با قدرت‌های جهانی از خود مهارت بیشتری نشان می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در رابطه‌اش با آمریکا دیده می‌شود؛ زیرا همواره قدرت آمریکا رابطه‌ای معکوس با قدرت دیگر کشورهای دنیا دارد (لانتین، ۲۰۲۰: ۱۷). اما رهبران چین اصل جدیدی را موسوم به «یک رابطه قدرت بزرگ جدید»^{۱۸} در پیش گرفته‌اند که بر سه اصل «پرهیز از ائتلاف»، «احترام متقابل» و «همکاری برد-برد» استوار است (هائو، ۲۰۱۵: ۳۵۰). این رویه از سوی صاحب‌نظران، اصل «رقابت مسالمت‌آمیز با ثبات» نیز خوانده می‌شود (هائو، ۲۰۱۵: ۳۵۶). این رویکرد مبتنی بر سرلوحه قراردادن رویکرد هزینه-منفعت است که در هدف‌گذاری، انتخاب اولویت و تعیین جهت‌گیری رابطه چین با کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد (چنگ، ۲۰۱۶: ۳۹۲).^{۱۹}

ب: رابطه ایران-چین و مسئله نگاه به شرق

برخلاف کشورهای زیادی که در تلاش برای فعالیت‌های استعماری یا ضربه زدن به کشورهای حوزه خلیج فارس بوده‌اند، چین با پرهیز از اتخاذ سیاست‌های ستیزه‌جویانه، همکاری خود را در کشورهای این حوزه و به‌ویژه کشورهایی با منافع متضاد با آمریکا گسترش داده است (متقی و قره بیگی، ۲۰۱۵: ۷۱). رابطه همکاری ایران و چین یکی از مصداق‌های این موضوع است. ایران و چین با داشتن سابقه روابطی که به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد، اکنون در شرایطی با یکدیگر همکاری می‌کنند که هر دو کشور یکی از ارکان قدرت در جهان به حساب می‌آیند و در تلاش برای ساختن نظم نوینی در جهان هستند که سبب کاهش قدرت‌های هژمونیک، از جمله آمریکا، در منطقه خلیج فارس می‌شود (چنگ، ۲۰۱۶: ۳۹۲).

علی‌رغم اینکه چین پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از رژیم شاه حمایت می‌کرد، اما تحولات پس از انقلاب و به‌ویژه رخدادهای دفاع مقدس، چین را به یک شریک تجاری مطلوب برای ایران تبدیل کرد (چنگ، ۲۰۱۶: ۳۹۲). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شعار «نه شرقی، نه غربی» سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفت که تأکید بر حفظ استقلال کشور در برابر وابستگی به قدرت‌های جهانی دارد. جمهوری اسلامی ایران با حفظ این شعار، رفته‌رفته رویه‌ای به

¹⁶ Asian Infrastructure Investment Bank

¹⁷ Silk Road Economic Belt

¹⁸ New Type of Great Power Relations

¹⁹ Cheng

سوی قدرت‌های شرقی اتخاذ کرده است که نقطه عطف آن از زمان دولت آقای احمدی‌نژاد و تصویب تحریم‌های کشورهای غربی محسوب می‌شود. به عبارتی منشأ توجه ایران به چین از زمانی شکل گرفت که دولتمردان ایران به تلاش برای ایجاد یک موازنه در برابر تحریم غرب روی آوردند. این موضوع را می‌توان نشانه‌هایی از «لبریز شدن صبر ایران از اقدامات غرب» دانست (احتشامی و همکاران، ۲۰۲۲: ۶). روسیه، چین و هند بیش از همه کشورهای هدف برای این همکاری محسوب می‌شوند، اما بررسی آماری پژوهش‌های منتشرشده در ایران نشان می‌دهد که توجه پژوهشگران بیش از هر زمان دیگری به چین جلب شده است، به طوری که در گذشته هند در صدر پژوهش‌های محققان ایرانی بود، اما امروزه مقالات مربوط به چین در حال پیشی گرفتن از هند هستند. مقام معظم رهبری در بهمن سال ۱۳۹۶ در تبیین سیاست خارجی ایران صراحتاً از ارجحیت داشتن همکاری با کشورهای شرقی در برابر کشورهای غربی سخن می‌گویند، به ویژه کشورهایی که اهداف مشترکی را با ایران دنبال می‌کنند (احتشامی و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). همچنین ایشان توجه بیشتر به کشورهای غربی و اروپایی را هدر دادن زمان و دردرساز می‌دانند که جایگاه مناسبی برای ایران قائل نمی‌شوند. در مقابل، کشورهایی در شرق وجود دارند که می‌توانند به ایران در پیگیری اهدافش کمک کنند و هم‌زمان از برتری‌جویی در برابر ایران خودداری می‌کنند (احتشامی و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). ایشان این موضوع را مجدداً در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۹ یادآوری می‌کنند که شرق نسبت به غرب اولویت دارد و قرن ۲۱ میلادی متعلق به کشورهای آسیایی است؛ همچنین ظرفیت‌های زیادی در ارتباط با کشورهای آسیایی مانند روسیه، چین، هند و مالزی وجود دارد که باید توجه بیشتری به آن‌ها شود (احتشامی و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). آقای علی‌اکبر ولایتی در نقش مشاور رهبری در امور سیاست خارجی بر این نکته تأکید می‌کند که قدرت و رفاه از کشورهای غربی در حال انتقال به کشورهای شرقی است که این موضوع می‌تواند مزیت‌ها و فرصت‌های زیادی برای آینده ایران به همراه داشته باشد (احتشامی و همکاران، ۲۰۲۲: ۳).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، کشورهای آسیای غربی یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی چین را شکل می‌دادند. چین هدف از گسترش همکاری با این کشورها را در به رسمیت شناختن روابط دیپلماتیک، همبستگی در برابر قدرت امپریالیستی و در نهایت کمک به توسعه کشورهای جهان سوم بیان می‌کرد (علمت، ۲۰۲۳: ۱۱)^{۲۰}. سیاست خارجی چین در آسیای غربی به گونه‌ای طراحی شده که در برابر برنامه غربی‌ها مبنی بر تغییر رژیم ایستادگی کرده و در مواقع رأی‌گیری از دخالت کشورهای غربی در این حوزه حمایت نکرده است (علمت، ۲۰۲۳: ۱۹) در حالی که چین در دهه ۶۰ میلادی به خودکفایی در حوزه انرژی روی آورده بود، اما در پایان قرن ۲۰ میلادی به دلیل گستردگی صنعت این کشور به واردکننده بزرگ نفت بدل شد و سیاست خارجی مبتنی بر واردات نفت و گاز را در پیش گرفت (چن، ۲۰۰۸: ۸۰)^{۲۱}. گرچه شروع رابطه چین با کشورهای آسیای غربی بر پایه نگرش‌ها و آرمان‌های سیاسی بود، اما به سرعت اهداف اقتصادی جایگزین آن شد و به همین دلیل ایران به لحاظ همکاری جذابیت خوبی برای چین دارد که منشأ آن ذخایر نفت و گاز ایران است. ایران دارای سومین ذخیره نفتی جهان (۱۲٪ کل نفت دنیا)، دومین ذخیره گازی جهان (۱۵٪ کل گاز دنیا) و به لحاظ موقعیت جغرافیایی گذرگاهی مناسب در جهت انتقال گاز از شرق آسیا به کشورهای غربی محسوب می‌شود. اما در سال‌های اخیر، به ویژه با گسترش تحریم‌های اعمال‌شده توسط دولت‌های

²⁰ Olimat²¹ Chen

غربی علیه ایران، رابطه ایران و چین سمت و سویی جدید یافته، به نحوی که چین در قبال واردات نفت و گاز، به صادرات ماشین آلات، کالاهای سرمایه‌ای و ارائه خدمات مرتبط مبادرت می‌ورزد. همچنین سطح سرمایه‌گذاری چین در ایران افزایش یافته و در پروژه‌های زیادی همکاری داشته‌اند که ساخت پالایشگاه نفتی، تولید خطوط انتقال نفت، مشارکت در توسعه زیرساخت‌های زمینی و ریلی، انتقال دانش در زمینه صنعت خودروسازی، ساخت ماهواره یا فضاپیما و تولید کابل فیبر نوری از نمونه‌های آن به حساب می‌آیند (چنگ، ۲۰۱۶: ۳۹۶).

جدول شماره ۱: حجم مبادلات اقتصادی ایران و چین (کلیه مبالغ به میلیون دلار) (علمت، ۲۰۲۳: ۱۸)

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
حجم مبادلات اقتصادی	۴۵.۱۰۳	۳۴.۶۵۸	۳۹.۴۲۶	۵۱.۸۴۲	۳۳.۸۲۷	۳.۱۲۴.۵۸۵	۳.۷۱۳.۸۵۱	۳.۵۰۴.۲۰۱	۲.۳۰۳.۵۶۲

البته ارتباط چین با کشورهای آسیای غربی صرفاً در واردات و صادرات کالا خلاصه نمی‌شود. چین در تمامی کشورهای دنیا رتبه نخست صادرات گردشگر را نیز داراست، به طوری که ۲۱٪ کل گردشگران دنیا را در بر می‌گیرد. مقصد محبوب گردشگران چینی کشورهای مصر و ایران می‌باشد. همچنین در راستای تقویت ارتباطات فرهنگی، زبان‌های فارسی و عربی به شکل جدی در مراکز آموزش عالی چین تدریس می‌شود (علمت، ۲۰۲۳: ۲۰-۲۳).

البته همکاری ایران و چین با نارضایتی‌هایی از دو طرف نیز همراه شده است؛ برای مثال، طرف چینی گلایه دارد که بازرگانان ایرانی تحت عنوان شرکت‌های خارجی دیگر نسبت به واردات از چین اقدام کرده‌اند تا از تعرفه‌های پایین‌تر و قدرت چانه‌زنی بیشتری استفاده کنند که در موارد زیادی این اقدامات برخلاف مقررات و توافقات صورت گرفته است. در مقابل، طرف ایرانی از طرف چینی خود گلایه می‌کند که صرفاً در اندیشه خارج کردن منابع اولیه از ایران هستند و رغبتی به واردات محصولات صنایع ایرانی ندارند (چنگ، ۲۰۱۶: ۳۹۹).

ج: قراردادهای همکاری ایران و چین

رهبران چینی به حفظ یک رابطه بدون حاشیه، کسب اهداف کوچک و پیشروی گام‌به‌گام در یک بازه بلندمدت مبادرت می‌ورزند (چنگ، ۲۰۱۶: ۴۰۹). به همین دلیل از چین به عنوان کشوری نام برده می‌شود که تلاش می‌کند با محافظه‌کاری، وضعیت موجود در کشورها را محفوظ نگه دارد. اما از سال ۱۳۹۴، چین سطح همکاری دیپلماتیک خود را با ایران به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش داد که دلیل آن را می‌توان توافقات انجام‌شده برای کاهش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران دانست. در سال ۱۳۹۵ توافقات دوجانبه میان دو کشور امضا شد که اهمیت زیادی داشت، زیرا این همکاری بالاترین سطح همکاری دیپلماتیک ممکن از نگاه چین محسوب می‌شود. این قرارداد تحت عنوان «مشارکت جامع راهبردی چین و ایران» شامل ۲۰ ماده است که در پنج حوزه همکاری تنظیم شده است. در پی امضای این توافق، رئیس‌جمهور چین برای دومین بار به ایران سفر کرد. این توافق در پی تلاش دولت شی جین‌پینگ برای ایجاد یک شبکه جهانی حاصل شد. ثمره این تلاش‌ها، چهار سال بعد از امضای توافق مشارکت جامع، مجدداً قراردادی جدید تحت عنوان «برنامه ۲۵ ساله همکاری جامع ایران و چین» بود که در ۳ تیرماه ۱۳۹۹ پس از بررسی و تصویب در جلسه هیئت دولت به امضای نهایی رسید.

در زمان اعلام رسمی این برنامه، هنوز اطلاعات زیادی در خصوص مفاد و جزئیات همکاری در اختیار عموم قرار نگرفته بود و این موضوع سبب شد تا جبهه گیری بازیگران و شهروندان در گروه های موافق و مخالف این قرارداد به اوج برسد. در ظاهر، این قرارداد می توانست نقطه عطفی در روابط دو کشور باشد؛ یا ایران با جبران کمبودها به پیشرفت های مادی زیادی دست یابد یا به نوعی تحت سلطه کشور چین قرار گیرد و به استقلال کشور لطمه وارد شود.

نکته قابل تأمل اینکه برنامه ۲۵ ساله همکاری در سال آخر دولت دوازدهم منعقد شد و حتی زمان اجرایی شدن این قرارداد نیز به آغاز به کار دولت سیزدهم موکول گردید. با عنایت به مشهود بودن تفاوت آشکار در رویکرد دولت سیزدهم نسبت به دولت دوازدهم در حوزه سیاست خارجی، این پرسش ایجاد می شود که چرا این قرارداد که هنوز به مرحله اجرا نرسیده و مخالفان متعددی نیز در برابر خود دارد، همچنان ثابت و پابرجا مانده است؟ پژوهش حاضر با استفاده از یکی از رویکردهای نظری در مطالعه فرایند سیاست گذاری^{۲۲} با عنوان «چارچوب ائتلاف حامی»، به دنبال تبیین ثبات سیاست خارجی در خصوص این همکاری است.

۲- چهارچوب نظری

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، تلاش برای تبیین تغییر نکردن (ثبات) سیاست خارجی ایران در موضوع همکاری با چین است، چارچوب نظری به کار گرفته شده بر موضوع تغییر و ثبات سیاست خارجی به مثابه یک سیاست عمومی متمرکز است. لذا برای مقاله حاضر از چارچوب ائتلاف حامی ابداع شده توسط ساباتیو و اسمیت^{۲۳} استفاده می شود. این چارچوب که بیش از هر چیز یک چارچوب تحلیلی برای فهم تغییر سیاست است (بندلو، ۲۰۱۵: ۳۰۴)^{۲۴}، با پرداختن به عوامل مؤثر در تغییر سیاست خارجی، دید مناسبی از فرایند سیاست گذاری فراهم می کند. چارچوب ائتلاف حامی به طور مشخص برای تبیین دلایل تغییر سیاست یا ثبات آن طراحی شده است (هار و پیرس، ۲۰۲۱: ۱۷۷۴)^{۲۵}.

بر این اساس، استفاده از چارچوب ائتلاف حامی دو ویژگی مهم را برای پژوهش های سیاست خارجی در پی دارد: ویژگی نخست، کنار گذاشتن نگاه تصمیم گیری متمرکز توسط بازیگران محدود و رسمی در حوزه سیاست خارجی است. سیاست خارجی اتخاذ شده به عنوان نتیجه فعالیت و رقابت طیف گسترده ای از بازیگران سیاسی فعال در سطح جامعه معرفی می شود که البته به واقعیت نزدیک تر است. مزیت دوم این چارچوب، تأکید بر اثر رقابت های بازیگران درون یک کشور است که مهم ترین بازتاب آن در روابط میان کشورها نمایان می شود. در نتیجه، با بهره گیری از این چارچوب، دید جامع تری از فرایند سیاست گذاری در پژوهش های سیاست خارجی به دست می آید. علی رغم مزیت های مهم چارچوب ائتلاف حامی، استفاده از این چارچوب در پژوهش های سیاست خارجی در حاشیه مانده و تنها در سال های اخیر در پژوهش های بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به محسوس بودن خلأ این

²² Policy Process

²³ Paul Sabatier and Jenkins Smith

²⁴ Bandelow

²⁵ Haar & Pierce

چارچوب در ادبیات پژوهشی داخلی، پژوهش حاضر تلاش می کند تا ضمن کاربست آن در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد آن را به پژوهشگران آتی معرفی نماید.

بر اساس چارچوب ائتلاف حامی، فرایند سیاست گذاری به صورت پیوسته در حال انجام است و طی آن بازیگرانی با باورهای متفاوت در رقابت با یکدیگر هستند تا باورهای خود را به سیاست عمومی تبدیل کنند (کایرنی، ۲۰۱۹: ۱۷۰-۱۷۲). بازیگران سیاسی، بر اساس اشتراک در باورهای خود نسبت به یک مسئله اجتماعی یا سیاست عمومی، با یکدیگر همکاری می کنند و یک ائتلاف^{۲۶} را به وجود می آورند. ائتلاف های شکل گرفته درون یک خرده نظام^{۲۸} با یکدیگر رقابت می کنند. خرده نظام نیز متشکل از تمامی بازیگرانی است که همگی درگیر یک مسئله سیاسی^{۲۹} هستند.

جدول شماره ۲: مهم ترین مفاهیم چهارچوب ائتلاف حامی

مفهوم	شرح تعریف
خرده نظام سیاست	خرده نظام ها سطح تحلیل پژوهش محسوب می شوند. دو ویژگی کلیدی خرده نظام ها، گستردگی جغرافیایی و دامنه موضوعی است. خرده نظام ها می توانند از سطح محلی تا بین المللی متغیر باشند.
بازیگران سیاسی	به افرادی گفته می شود که تلاش می کنند در فرآیند اتخاذ سیاست های عمومی درون یک خرده نظام اثرگذار واقع شوند. این افراد می توانند از بدنه دولت یا خارج از آن باشند.
ائتلاف حامی	به بازیگران سیاست گفته می شود که به صورت گروهی رفتار سیاسی شان را با متحدانشان تطابق می دهند که دارای نظام باور مشترک هستند.
نظام باورها	نظام باورها دربرگیرنده هم ارزش های هنجاری و هم باورهای عینی و عملی است. در کانون نظام باور، باورهای هسته ای قرار دارد که عامل نگه دارنده بازیگران درون یک ائتلاف به حساب می آید.
یادگیری (برآمده از سیاست)	به تغییرات بلندمدت ایجاد شده در نظام باور بازیگران سیاسی اطلاق می شود.
تغییر سیاست	به تصمیم گیری های رسمی و غیررسمی که تحت سیطره سیاست های عمومی اتخاذ می شود بیان می شود. در چهارچوب ائتلاف حامی به چهار طریق تغییر سیاست حادث می شود.
پیمانکار سیاسی	به بازیگر سیاسی گفته می شود که تلاش می کند ائتلاف ها به توافقات انجام شده دست یابد.

اساس ائتلاف را باور بازیگران تشکیل می دهد؛ باوری که امکان درک و پردازش اطلاعات از محیط پیرامون را فراهم می کند و به آن ها جهت گیری کلی در قبال موضوعات مختلف نشان می دهد. باورهای بازیگران در سه گروه کلی قابل دسته بندی است که مهم ترین آن ها باورهای عمیق است. این باورها شامل جهان بینی، درک بازیگران از نظام سیاسی و مسائل بنیادین جامعه است که به ندرت تغییر می کنند. به همین جهت، اساساً چارچوب ائتلاف حامی پتانسیل بالایی برای نشان دادن ثبات سیاست ها دارد (لیتفین، ۲۰۰۰: ۲۳۸).^{۳۰}

²⁶ Cairney

²⁷ Coalition

²⁸ Subsystem

²⁹ Policy problem

³⁰ Litfin

هسته سیاست، باور دیگری است که استراتژی بازیگران و جایگاه آن‌ها در نظام سیاسی را مشخص می‌کند. اینکه مسبب وضع موجود چه عاملی است، آیا می‌توان آن مشکل را برطرف کرد یا نقش دولت در قبال مسئله چیست، در زمره باورهای مربوط به هسته سیاست قرار می‌گیرد. باورهای ثانویه که بیش از همه تغییرپذیر هستند، نگاهی جزئی‌تر دارند؛ زیرا شامل چگونگی اجرای یک سیاست، جمع‌آوری اطلاعات و روش تحقق اهداف می‌شوند.

تفاوت ائتلاف‌های حامی با دیگر اشکال فعالیت جمعی مانند جنبش‌های اجتماعی در پایداری بلندمدت ائتلاف‌ها است. ائتلاف حامی بر روی یک موضوع محدود تمرکز دارد و با احزاب که در تمام سیاست‌ها دخالت دارند متفاوت است. شاید ائتلاف‌ها را بتوان نزدیک به گروه‌های ذی‌نفع تلقی کرد، اما در مقایسه با گروه ذی‌نفع از سازماندهی پایین‌تری برخوردارند، فاقد رهبری مشخص هستند و مهم‌تر اینکه «غیررسمی» محسوب می‌شوند (کایرنی، ۲۰۱۹: ۱۷۱).

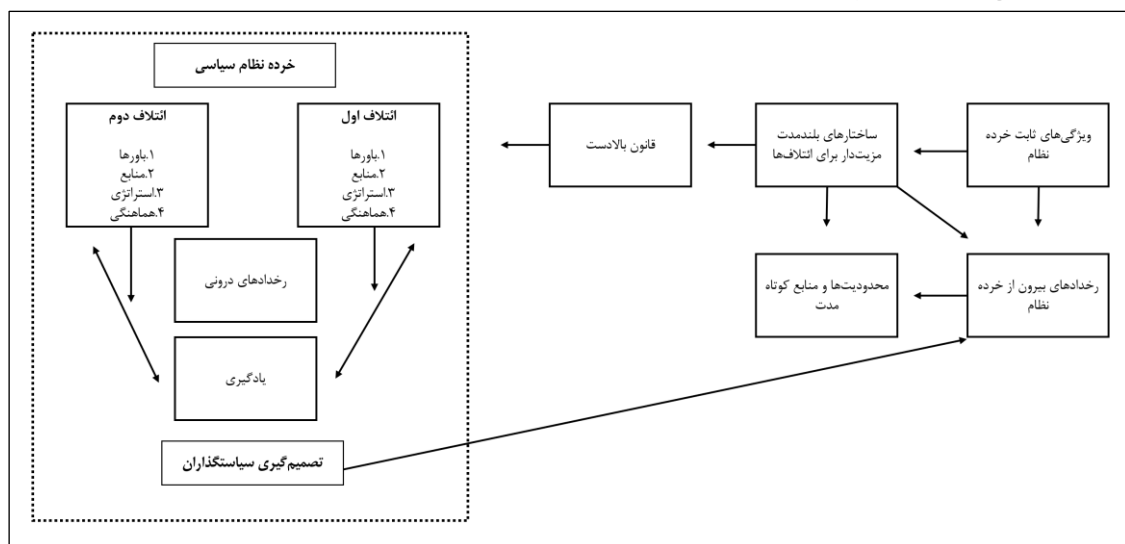
جدول شماره ۳: پیش فرض‌های هفتگانه چهارچوب ائتلاف حامی (جنکینز-اسمیت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۸۹-۱۹۳)

ردیف	پیش‌فرض‌های چهارچوب ائتلاف حامی	شرح
۱	خرده‌نظام‌ها سطح تحلیل اصلی پژوهش هستند.	یک خرده‌نظام سیاسی زیرمجموعه یک دولت یا نظام سیاسی است که حول یک مسأله متمرکز است. خرده‌نظام‌ها می‌توانند با یک دیگر وجه اشتراک داشته باشند. خرده‌نظام‌ها می‌توانند تا درجه‌ای از استقلال برخوردار باشند. خرده‌نظام‌ها ممکن است در هر مقطعی از زمان از بین بروند یا با دیگر خرده‌نظام‌ها ادغام شوند.
۲	هر فردی می‌تواند به عنوان بازیگر درون یک خرده‌نظام باشد.	افرادی که در تلاش برای اثرگذاری بر روی سیاست هستند و نقش بازیگر به آن‌ها اطلاق می‌شود، شامل دولتمردان، نمایندگان بخش خصوصی، متخصصان دانشگاهی، مشاوران، اندیشکده‌ها، خبرنگاران و حتی شهروندان فعال (فاقد سازمان رسمی) است. در این چهارچوب نگاه به افراد دخیل در سیاست‌های عمومی، مانند نگاه کلاسیک به مثلث آهنی و افراد صاحب منصب محدود نمی‌شود.
۳	افراد از عقلانیت محدود برخوردارند.	بازیگران سیاسی تنها از عقلانیت محدود برخوردار هستند و توانایی محدودی در پردازش اطلاعات و کسب آگاهی دارند. آن‌ها با استفاده از ابزارهای محدود کننده که همان نظام باورشان باشد، دید خاصی به موضوعات دارند تا بتوانند دنیای پیرامون خود را بفهمند.
۴	با قرارداد افراد درون ائتلاف خرده‌نظام ساده‌سازی می‌شود.	برای ساده‌سازی و فهم بهتر پژوهش، چهارچوب ائتلاف حامی بازیگران سیاسی را به عنوان افراد عضو یک ائتلاف نشان می‌دهد. ملاک عضویت درون ائتلاف نیز باورهای هسته‌ای بازیگران است. افراد درون ائتلاف سطوح همکاری مختلفی از خود نشان می‌دهند، به صورت گروهی یک فهم و به تبع آن یک یادگیری برایشان رقم می‌خورد. همچنین در قالب ائتلاف می‌توانند با سایر بازیگران درون ائتلاف‌های دیگر با یکدیگر مذاکره کرده و به توافق دست یابند.
۵	سیاست‌های اتخاذ شده حاصل باورهای حداقل یک ائتلاف هستند.	سیاست‌ها همواره دربرگیرنده باورهای ائتلاف‌ها درباره وضع موجود است و در درون سیاست نشانه‌هایی دال بر چگونگی فهم ایجادکننده مشکل عمومی و راه‌حل مورد نیاز برای رفع کامل یا کاهش اثربخشی عامل دیده می‌شود. محتوای سیاست عمومی به شکل مستقیم در ارتباط با نظام باور بازیگران است.
۶	بهره‌جویی از اطلاعات فنی و علمی توسط بازیگران سیاسی	چهارچوب تحلیل ائتلاف حامی وجود اطلاعات علمی و فنی را در درون خرده‌نظام‌های سیاسی مورد تأکید قرار می‌دهد. اما این اطلاعات در وهله نخست برای یادگیری و حل مشکلات عمومی مورد استفاده واقع نمی‌شود بلکه توسط بازیگران به عنوان یک منبع قابل استناد و به عنوان شاهدهی جهت صحت‌گذاری بر ادعایشان نزد سیاستگذاران است.

۷	بازه بلند برای فهم فرآیند سیاستگذاری و تغییرات لحاظ شود.	فرآیند سیاستگذاری تمامی ندارد و مدام سیاست‌هایی اتخاذ می‌شوند که برنده و بازنده را ایجاد می‌کند. به همین چهارچوب ائتلافی توصیه می‌کند که برای انجام پژوهش‌ها بازه‌های زمانی بلندمدت (حداقل یک دهه) در نظر گرفته شود. البته این مسأله بدین منظور نیست که می‌بایست تمامی داده‌های این بازه زمانی جمع‌آوری شود. بلکه هدف در نظر گرفتن شرایط ابتدای بازه زمانی و مقایسه آن با دیگر بازه‌های زمانی و همچنین تلاش برای فهم وضعیت موجود با ریشه‌یابی موضوع در گذشته است.
---	--	---

ادعای چارچوب ائتلاف حامی در خصوص ائتلاف‌ها آن است که می‌توان به صورت عینی وجود ائتلاف‌ها را نشان داد. در این راستا، ابتدا می‌بایست باورهای هسته‌ای مختلف بازیگران سیاسی در قبال یک سیاست را که در تضاد با یکدیگر هستند استخراج نمود. سپس باید رفتار هماهنگ بازیگرانی را که دارای باور مشترک هسته‌ای هستند، مشاهده کرد. حال، بسته به اینکه هر یک از ائتلاف‌ها تا چه میزان از سرمایه، تخصص، تعداد حامیان و مشروعیت قانونی برخوردار باشند، سطح برخورداری آن‌ها از قدرت متفاوت می‌شود (ساباتیر و جنکینز-اسمیت، ۱۹۹۳: ۲۹).^{۳۱}

طبق چارچوب ائتلاف حامی، معمولاً در خصوص هر موضوع یک ائتلاف قدرتمند مسلط وجود دارد که دارای منابعی است که در خارج از خرده‌نظام مورد بحث قرار می‌گیرند (ساباتیر و جنکینز-اسمیت، ۱۹۹۳: ۲۹).



تصویر شماره: ۱ مدل ساده‌سازی شده از آخرین ویرایش چهارچوب ائتلاف حامی (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۶۶)

اما یکی از مباحث اساسی چارچوب ائتلاف حامی، تلاش برای فهم عوامل ایجادکننده تغییر سیاست است. بر اساس این چارچوب، تغییر سیاست می‌تواند نتیجه حادث شدن حداقل یکی از چهار حالت زیر باشد (ویبل و جنکینز-اسمیت، ۲۰۱۶: ۲۴).

وقوع رخدادهای خارج از خرده‌نظام سیاسی: نمونه‌های بارز این مورد، برگزاری انتخابات و تغییر دولت، تغییرات در شرایط سیاسی-اجتماعی جامعه، تغییر افکار عمومی، وقوع یک بلای طبیعی و... است. در این حالت، یک مخالف وضع موجود از وقوع رخداد سود می‌جوید و تغییری در دیدگاه شهروندان، دولتمردان یا نحوه توزیع منابع ایجاد می‌کند.

³¹ Sabatier & Jenkins-Smith

- وقوع رخداد‌های درون خرده‌نظام: تغییرات درون خرده‌نظام معمولاً در اثر شکست یک سیاست یا بروز یک رسوایی شکل می‌گیرند.
 - یادگیری بازیگران سیاسی: منظور از یادگیری زمانی است که بازیگران بنا به دلایلی باور خود را در خصوص سیاست تغییر می‌دهند. این نوع تغییر به‌ویژه در بازه زمانی بلندمدت قابل مشاهده است؛ زیرا بازیگران به زمان زیادی نیاز دارند تا بتوانند به اطلاعات موجود از زوایای مختلف نگاه کنند و آن را با باورهایشان مقایسه کنند. در صورت وجود مغایرت، به تدریج احتمال تغییر نگرش در بازیگران ایجاد می‌شود.
 - توافق ائتلاف‌های متضاد درباره یک سیاست: این تغییر به‌ویژه زمانی ایجاد می‌شود که یک ائتلاف دیگر منابع و توانایی لازم برای اثرگذاری بر دولت یا سیاست‌گذاران را در اختیار نداشته باشد و همچنین تحمل شرایط فعلی برای طرفین قابل پذیرش نباشد.
- البته هرچند حادث شدن حداقل یکی از این موارد برای تغییر سیاست ضروری است، اما شرط کافی نیست و حتماً یکی از ائتلاف‌ها می‌بایست استراتژی مشخصی را برای رقم زدن تغییر به‌کار گیرد.

۳- روش پژوهش

مطابق با چارچوب ائتلاف حامی (تصویر ۱)، حداقل دو ائتلاف موافق و مخالف می‌بایست در یک خرده‌نظام شناسایی شوند. با عنایت به پیش‌فرض‌های چارچوب ائتلاف حامی مبنی بر اینکه اعضای ائتلاف می‌توانند از طیف وسیعی از بازیگران از جمله مقامات رسمی کشور، خبرنگاران، مشاوران و تحلیلگران سیاست، پژوهشگران و افراد دانشگاهی و شهروندان فعال تشکیل شوند (ویبل و ساباتییه، ۲۰۱۷: ۲۹۴)^{۳۲}، جستجو در پایگاه‌های خبری و همچنین پایگاه‌های علمی و نشریات کشور، مانند پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه مجلات تخصصی نور و سیویلیکا، برای استخراج مقالات مرتبط با همکاری ایران و چین که طی بازه زمانی ۱۳۹۸ تاکنون منتشر شده‌اند، انجام شد.

مطالب شناسایی‌شده که به‌صورت مصاحبه، بیان نقل قول مستقیم یا از نوع پژوهش‌های علمی بوده‌اند، تنها در صورتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که صراحتاً و به‌صورت مستدل، مزایا یا معایب همکاری بلندمدت با چین را بیان کرده باشند. با عنایت به محتوای ارائه‌شده، نظرات این افراد در دو گروه موافق و مخالف همکاری با چین دسته‌بندی شدند.

۴- یافته‌های پژوهش

بر اساس روش پژوهش در مجموع ۳۴ بازیگر شناسایی شدند که مطابق جدول در دو گروه موافق و مخالف همکاری فعالیت داشته‌اند:

³² Weible & Sabatier

جدول شماره ۴: اعضای ائتلاف حامی شناسایی شده با همکاری ۲۵ ساله با چین

نوع بازیگر	تعداد
پژوهشگران و اساتید دانشگاهی	۱۸
صاحب منصب رسمی	۵
مشاور	۳
تحلیلگر سیاست	۳
خبرنگار	۲
بازیگر بخش خصوصی	۲
فعال مدنی	۱
جمع	۳۴

تمامی این افراد در طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، همزمان با اعلام تهیه شدن قرارداد همکاری ۲۵ ساله با چین تا زمان اجرایی شدن آن، مطالب خود را در جهت موافقت یا مخالفت با قرارداد مذکور منتشر کرده‌اند. شاید انتظار می‌رود تعداد بازیگران بیشتری در خصوص این موضوع که اهمیت بسزایی در سیاست خارجی کشور دارد، نقش فعالی ایفا کرده باشند، اما به دلیل مشخص نبودن دقیق محتوای قرارداد و دشوار بودن اظهارنظر دقیق در قبال این موضوع از یک سو، و همچنین تعاملات بازیگران به نحوی که از منظر عمومی قابل مشاهده نباشد از سوی دیگر، محدودیت‌هایی در شناسایی تمام اعضای ائتلاف وجود دارد.

اما اولین مسئله‌ای که از اعضای ائتلاف حامی قرارداد به چشم می‌آید، پرشمار بودن افراد متخصص دانشگاهی است. این موضوع دقیقاً مطابق پیش‌فرض ائتلاف حامی است که اهمیت ویژه‌ای به متخصصان و دانش تخصصی می‌دهد. از طرفی، افراد متخصص و دانشگاهی ماهیت بازیگران بی‌طرف ندارند و معمولاً به عضویت ائتلاف حامی با نمایندگان دولت، جامعه مدنی و رسانه‌ها درمی‌آیند تا در خصوص یک سیاست اثرگذار باشند (فونکه و همکاران، ۲۰۲۱: ۷۸۶).^{۳۳} اما با بررسی تفکیکی بازیگران در دو ائتلاف موافق و مخالف، و با توجه به باورهایی که بیان می‌کنند، استراتژی کلی هر ائتلاف مشخص می‌شود.

جدول شماره ۵: باور اعضای ائتلاف موافق با برنامه ۲۵ ساله همکاری ایران و چین

نوع بازیگر	تعداد	باور بازیگران
پژوهشگران و اساتید	۱۶	توسعه اقتصادی - تأمین نیازها و جبران کمبودها -
دانشگاهی	۴	بهبود جایگاه بین‌المللی ایران - ضرورت همکاری با ابرقدرت آتی
صاحب منصب رسمی	۲	- افزایش امنیت کشور
مشاور	۲	
بازیگر بخش خصوصی		
جمع	۲۴	

بر اساس یافته‌های پژوهش، اعضای ائتلاف حامی موافق، باورهای خود را در قبال قرارداد با در نظر گرفتن دو مقطع زمانی فعلی و آینده بیان می‌کنند. در ابتدا، تأکید بر نیازهای فعلی کشور است که می‌بایست با سرمایه‌گذاری کشور

³³ Funke et al.

خارجی نظیر چین برطرف شود: «از نظر اقتصادی، اجرای توافق‌نامه اکثر مشکلات اقتصادی و مالی را در چندین بخش در ایران حل می‌کند» (قاهری، ۲۰۲۳)، «سرمایه‌گذاری چین به‌عنوان دومین ابرقدرت اقتصادی و سیاسی فعلی دنیا می‌تواند سبب شکوفایی در زیرساخت‌های علمی، فناوری و صنایع مختلف ایران شود» (موسایی، ۲۰۲۱)، «ثمره مثبتی برای اقتصاد کشور خواهد داشت و می‌توان از آن به توسعه اقتصادی دست یافت» (فروتن، ۲۰۲۲).

اما بُعد دیگر، توجه به شرایط آینده نظم بین‌المللی است؛ به‌نحوی که چین به‌عنوان یک ابرقدرت نوظهور جایگاه مهمی دارد و همکاری با آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود: «چین ابرقدرت نوظهور است؛ اگر کسی برای روابط طولانی‌مدت برنامه‌ریزی نکند، آینده را باخته است»، «اصل این موضوع که ایران برای روابط طولانی‌مدت و راهبردی با قدرت‌های بزرگ برنامه‌ریزی کند، یک ضرورت است» (انصاری، ۲۰۲۰). در نهایت، همکاری با چین می‌تواند باعث قدرتمند شدن ایران و افزایش توانایی کشور در برابر کشورهای سلطه‌جو شود: «به نظر می‌رسد که با قدرت هژمونیک آمریکا در نظم جهانی آینده که در اثر عملکرد درست عناصر و مؤلفه‌های قدرت چین به وجود می‌آید، تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز کاهش و یا برطرف شوند» (نجفی و حاجی‌زاده، ۲۰۲۳: ۲۳۱)، «در حوزه روابط خارجی، پیوندهای اقتصادی و بازرگانی می‌تواند کشور طرف قرارداد (چین) را متعهد نماید؛ زیرا هرگونه ماجراجویی نظامی کشور ثالث، منافع ملی کشور طرف قرارداد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به این ترتیب، ضریب امنیت ملی نیز با انعقاد قراردادهای تجاری و اقتصادی ارتقا می‌یابد» (ایمانی، ۲۰۲۳: ۶۴).

اما در مقابل بازیگران موافق همکاری، بازیگرانی قرار دارند که بنا به نگرش خود اصل این همکاری را به ضرر کشور می‌دانند. این بازیگران که تعداد متخصصان آن‌ها کمتر شده و در عوض از تنوع بیشتری برخوردارند، در بهترین حالت این قرارداد را بی‌فایده می‌دانند. از طرفی معتقدند که مفاد این قرارداد ماهیت یک‌طرفه دارد و ممکن است موجب از دست رفتن منابع کشور و تضعیف امنیت ملی شود: «احتمالاً برخلاف منافع کشور و ملت باشد» (آنادولو آجانشی، ۲۰۲۱)؛ «(ایران و چین) همچنان فاقد شرایط و بایسته‌های لازم برای ورود به عرصه اتحاد و ائتلاف هستند» (تخشید و لی، ۲۰۲۰: ۴۹۵)؛ «گرچه ایران بنا بر ضرورت‌ها و اقتضائات خاص خود وارد تعاملات گسترده و عمیق با چین شده است، اما به نظر می‌رسد مختصات همکاری دو کشور با عنوان مشارکت استراتژیک جامع در پکن طراحی شده است» (شفیعی، ۲۰۲۲).

جدول شماره ۶: باور اعضای ائتلاف مخالف با برنامه ۲۵ ساله همکاری ایران و چین

نوع بازیگر	تعداد	باور بازیگران
پژوهشگران و اساتید دانشگاهی	۲	بی‌فایده بودن - یک طرفه بودن - ضد امنیت ملی
تحلیلگر سیاست	۳	
خبرنگار	۲	
صاحب منصب رسمی	۱	
فعال مدنی	۱	
مشاور	۱	
جمع	۱۰	

³⁴ Anadolu Ajansı

³⁵ Takshid & Li

با مقایسه بازیگران دو ائتلاف می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً تعداد بازیگران ائتلاف حامی قرارداد به مراتب بیش از تعداد بازیگران ائتلاف مخالف است و اگر این بازیگران نماینده کل جامعه درگیر در این حوزه باشند، ائتلاف موافق به دلیل برخورداری از اعضای بیشتر و متعاقباً برخورداری از منابع بیشتر، بر اساس دیدگاه ساباتیه دارای قدرت بیشتری است که می‌تواند دلایل پابرجا بودن همکاری را مشخص کند.

مسئله دوم، تفاوت استراتژی به کار گرفته شده در دو ائتلاف است که به مثابه اقدام مشترک دو ائتلاف قابل تحلیل است. ائتلاف حامی، از استدلال‌های شفاف و کم‌تر قابل انکار، همانند سرمایه‌گذاری یک کشور خارجی در ایران استفاده می‌کند و ضرورت و دلایل انجام همکاری را بیان می‌نماید. اما در گروه ائتلاف مخالف، دلایل مطرح شده برای مخالفت با قرارداد بیشتر ماهیت نگرانی و احتمال دارد که در این صورت، قدرت اقناع آن‌ها اثربخشی کمتری داشته و سیاست‌گذاران به سمتی متمایل می‌شوند که منافع عینی در آن قابل مشاهده باشد.

یادگیری

موضوع ثبات و تغییر سیاست در چارچوب ائتلاف حامی از منظر یادگیری بازیگران و ائتلاف‌ها نیز بررسی می‌شود. منظور از یادگیری، تغییرات ایجاد شده و بادوام در رفتار و خواسته‌های بازیگران است که پس از دریافت اطلاعات جدید درباره سیاست و اهدافشان رخ می‌دهد. این اطلاعات شامل شناخت عوامل مؤثر بر سیاست و همچنین دریافت بازخورد از سیاست‌های پیشین است. در نتیجه، یادگیری که جنبه ابزاری می‌یابد، باعث می‌شود بازیگران شناخت بهتری از محیط پیرامون سیاست به دست آورند.

در میان ائتلاف‌های موافق و مخالف همکاری با چین، یک فرایند یادگیری از رخدادهای بین‌المللی شکل گرفته است: پیش‌نویس قرارداد همکاری با چین تنها در فاصله‌ای حدود ۱۱ روز با برجام تهیه شد. اما برجام که در کانون توجه سیاست خارجی دولت یازدهم بود و دولتمردان هزینه و زمان زیادی را صرف به سرانجام رساندن آن کردند، تنها در مدت کوتاهی پس از آن، به دلیل تغییر دولت در آمریکا با شکست مواجه شد و منجر به قطع همکاری طرف‌های غربی با ایران شد. اما برخلاف رفتار کشورهای اروپایی و آمریکا در برجام، چین به‌عنوان یک ابرقدرت نوظهور در تمام این مدت همکاری خود را با ایران ادامه داد که نشان می‌دهد یک ساختار پایدار و متعهد در این کشور وجود دارد. این موضوع به بازیگران ایرانی می‌آموزد که «وفاداری چین به ایران در شرایط سخت تحریم» (هندیانی و افشاری اقدام، ۲۰۲۰: ۹۴)، فارغ از تلاش‌های غرب برای منزوی کردن ایران ادامه دارد. این شناخت از رفتار چین به‌عنوان کشور طرف همکاری برای ائتلاف موافق همکاری با چین خوشایند است. این یادگیری که از نوع بین‌ائتلافی و تحت تأثیر رخدادهای بیرونی حاصل شده، دیدگاه سیاست‌گذاران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سایر عوامل مؤثر

بر اساس چارچوب ائتلاف حامی (تصویر ۱)، در کنار وجود ائتلاف‌ها و مسئله یادگیری، عوامل مهم دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند در خرده‌نظام اثرگذار باشند و دامنه فعالیت‌های بازیگران را محدود یا جهت‌دار کنند. این عوامل به دو گروه ثابت و متغیر دسته‌بندی می‌شوند. عوامل ثابت به مسائلی نظیر نظام سیاسی حاکم در کشور، تداوم فعالیت نهادها و سازمان‌های دخیل در سیاست‌گذاری و اصل مسئله موجود در خرده‌نظام مربوط است. در مقایسه این عوامل

با شرایط ایران می توان نتیجه گرفت که از زمان مطرح شدن همکاری با چین، نظام سیاسی ایران بدون تغییر پابرجاست و سازمان ها و نهادهای رسمی متولی سیاست خارجی نیز بدون تغییر همچنان در حال فعالیت هستند. همچنین اصل همکاری با کشورهای خارجی در عرصه بین المللی نیز همچنان نزد سیاست گذاران دارای اهمیت است. با توجه به ثبات این عوامل، ساختار ائتلاف ها که مستقیماً تحت تأثیر آنهاست بدون تغییر باقی می ماند. در نهایت، تنها وجود یک پیمانکار سیاسی می توانست با فعالیت های خود ائتلاف ها را به سمت تغییر سوق دهد که در خرده نظام حاضر، وجود چنین پیمانکاری مشاهده نشد و سیاست ثابت باقی ماند.

اما رخدادهای بیرون از خرده نظام که مهم ترین آن تغییر دولت در وهله نخست و سپس حوادث مربوط به برجام و رفتار کشورهای خارجی است، می تواند تغییرات زیادی را در پی داشته باشد. شکست برجام مصداقی از شکست سیاست است که در ادبیات چارچوب ائتلاف حامی به عنوان رخداد داخلی منتهی شونده به یادگیری از آن یاد می شود. در اینجا یادگیری بازیگران بر اساس دو مؤلفه صورت گرفته است: نخست اینکه کشورهای غربی برای همکاری قابل اطمینان نیستند و دوم اینکه کشور چین برخلاف جریان شکل گرفته از سوی غرب، به همکاری با ایران ادامه داده است. این یادگیری، غالب بازیگران را به سمت همکاری بیشتر با چین سوق می دهد. اهمیت این موضوع به اندازه ای است که علی رغم انتقال قدرت به دولت جدید، رویه قبلی همچنان باقی مانده است و با وجود اینکه دولت جدید توزیع منابع و محدودیت ها را در کوتاه مدت می تواند در میان ائتلاف ها تغییر دهد، اما این تغییرات بر وضعیت کلی ائتلاف ها تغییری ایجاد نمی کند.

نهایتاً آخرین عاملی که بر خرده نظام سیاست خارجی می تواند اثر بگذارد، ابلاغ یک قانون بالادست^{۳۶} است. با توجه به شرایط سیاسی ایران، چنین ابلاغی می تواند یا از طریق قانون گذاری و توسط مجلس شورای اسلامی و یا به صورت ابلاغی توسط مقام معظم رهبری صورت گیرد. بررسی مصوبات مجلس نشان می دهد که این قوه طی سال های اخیر قانونی در جهت لغو همکاری با چین به تصویب نرسانده است. مقام معظم رهبری نیز در قبال همکاری با کشوری نظیر چین، رویه ثابتی اتخاذ کرده اند و طی سال های متمادی بر همکاری با کشورهای شرقی (آسیایی) تأکید داشته اند. بررسی مجموعه این عوامل نشان می دهد که خرده نظام سیاست خارجی ایران در قبال چین، با وجود تجربه رخدادهای خارج از این خرده نظام مانند شکست برجام، تغییر افکار عمومی و تغییر دولت که در دیگر خرده نظام ها تغییرات مهمی را در پی داشته اند، در شرایط فقدان پیمانکار سیاسی، تغییری در سیاست از پیش اتخاذ شده ایجاد نکرده است و حتی یادگیری بازیگران نیز در جهت تداوم این سیاست شکل گرفته است.

بحث و نتیجه گیری

در نیمه دوم قرن بیستم و با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، عرصه بین المللی شاهد شکل گیری همکاری های بین المللی متعدد در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، زیست محیطی و بسیاری از موضوعات دیگر بوده است. این همکاری ها در ابتدا برآمده از نگرش سلطه جو و تحت تسلط آمریکا به وجود آمده بودند، اما به تدریج کشورهای در حال توسعه برای کسب منافع جدید، نوعی جدید از همکاری را رقم زدند که تأمین نیازهای عمومی جامعه، کسب قدرت و امنیت بهتر از جمله آنها به حساب می آید. اما شکل گیری هر نوع همکاری از دیدگاه نظری یک پدیده

³⁶ Superior Jurisdiction

طبیعی محسوب نمی‌شود و الزاماً پیامدهایی را برای کشورهای مشارکت‌کننده ایجاد می‌کند که کمترین آن هماهنگ شدن رفتار یک کشور با کشور دیگر است. بنابراین دولت‌ها می‌بایست در ازای همکاری، هزینه‌هایی را متحمل شوند و در سیاست‌های خود تغییراتی اعمال کنند. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای که حفظ استقلال سیاسی‌شان در رأس ارزش‌هایشان است می‌تواند چالش‌هایی ایجاد کند.

چین از جمله کشورهایی است که قرن بیستم میلادی را به‌عنوان کشوری منزوی آغاز کرد و در انتهای آن به یک ابرقدرت نوظهور تبدیل شد. سرعت فزاینده چین در پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی و برخورداری شدن این کشور از جایگاه ویژه در نظم جهانی، کشورهای زیادی را به همکاری با آن ترغیب کرده است، به‌گونه‌ای که امروزه این کشور با ارائه برنامه‌های بلندمدت و ایجاد شبکه‌های همکاری تحت عناوینی مانند «کمربند اقتصادی راه ابریشم»، در تلاش برای جهت‌دهی به همکاری‌های بین‌المللی، به‌ویژه در منطقه آسیا است. هرچند همکاری‌های چین با کشورهای دیگر می‌تواند موجب شکل‌گیری ساختاری شود که طی زمان منجر به کاهش قدرت کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، در منطقه شود، اما همچنان به دلیل پیروی سیاست‌مداران از نگرش محافظه‌کارانه، همکاری‌های این کشور منجر به رابطه‌ای متعادل با تمامی کشورها شده است. چنین نگرشی بر رابطه همکاری دوجانبه‌ای مانند ایران و چین نیز اثرگذار بوده است: حجم روابط اقتصادی این دو کشور تنها طی یک دهه بیش از ۵۰ برابر رشد داشته که نشان‌دهنده رشد چشمگیر آن است. با این وجود، قرارداد همکاری بلندمدت با چین در سایه برجام شکل گرفت و حتی در زمان رسانه‌ای شدن این همکاری، حجمی از اعتراضات را در پی داشت که از جمله علت‌های مخالفت می‌توان به عدم اطمینان از رفتار آتی چین، به‌ویژه در صورت عقب‌نشینی این کشور به دلیل تأثیرپذیری از منافع آمریکا اشاره کرد. در چنین شرایطی، پرسشی که مطرح می‌شود مسئله دلیل تداوم همکاری با چین است؛ به‌خصوص اینکه تصمیم برای امضای همکاری با چین در سال آخر دولت دوازدهم اتخاذ شد و پس از آن دولتی به قدرت رسید که مؤلفه‌های سیاسی آن تفاوت آشکاری با دولت پیشین داشت.

برای فهم این موضوع از چارچوبی تحلیلی موسوم به «چارچوب ائتلاف حامی» استفاده شد که با هدف فهم دلایل ثبات طولانی‌مدت و تغییر سیاست‌ها ابداع شده است. بر اساس این چارچوب، کنش بازیگران مختلف در قالب ائتلاف‌های غیررسمی صورت می‌گیرد و اساس شکل‌گیری ائتلاف‌ها وجود باورهای مشترک در میان بازیگران است. این ائتلاف‌ها مسئله‌محور هستند و لذا اقدامات بازیگران در ائتلاف‌های مختلف حول یک سیاست مشخص، در قالب مفهوم خرده‌نظام بررسی می‌شود. از منظر این چارچوب، در هنگام ثبات سیاست‌ها یک ائتلاف قدرتمند بر خرده‌نظام مسلط است و ائتلاف‌های رقیب با فرصت‌طلبی از وقوع رخداد‌های درون یا بیرون خرده‌نظام و به‌کارگیری استراتژی مشخص می‌توانند تغییر سیاست را رقم بزنند. این تغییر می‌تواند در اثر شکل‌گیری یادگیری در میان بازیگران نیز باشد؛ در این صورت باورها و کنش‌های بازیگران در قبال سیاست به دلیل تأثیرپذیری از آگاهی جدید تغییر می‌کند. بررسی جریان‌های ائتلاف حامی در قبال همکاری بلندمدت ایران و چین نشان می‌دهد که در این موضوع دو جریان با نگاه متضاد در ایران شکل گرفته‌اند که در تلاش برای اثرگذاری بر سیاست همکاری هستند. ائتلاف موافق همکاری از تعداد بیشتر و بازیگران تخصصی‌تری برخوردار است که به‌طور خاص از استراتژی تأکید بر مزیت سرمایه‌گذاری

خارجی استفاده می‌کند؛ مزیتی که می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی و افزایش امنیت شود. در مقابل، ائتلاف مخالف استراتژی‌هایی مبتنی بر بی‌فایده بودن قرارداد، یک‌طرفه بودن آن و حتی احتمال لطمه به امنیت ملی را مطرح کرده است که این استراتژی‌ها به دلیل فقدان شواهد عینی، بیشتر جنبه نگرانی دارند. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که علی‌رغم وقوع رخداد بیرون از خرده‌نظام سیاست خارجی یعنی تغییر دولت—موضوعی که از منظر چارچوب ائتلاف حامی در تغییر سیاست بسیار اثرگذار است—به دلیل ضعف استراتژی ائتلاف مخالف و همچنین برتری ائتلاف موافق، تغییری در سیاست همکاری با چین شکل نگرفته است.

از طرفی، این خرده‌نظام یک رخداد درون‌خرده‌نظامی را نیز تجربه کرده است که همان مسئله شکست برجام و عقب‌نشینی کشورهای غربی از ادامه همکاری با ایران است. چین با نشان دادن رفتاری دال بر مسئولیت‌پذیری، با وجود تحریم‌های سنگین وضع شده علیه ایران، همکاری خود را با ایران ادامه داده است که این موضوع نوعی یادگیری را در میان بازیگران ائتلاف‌ها رقم زده است. ائتلاف حامی موافق، از این یادگیری بهره برده و ضمن برجسته کردن مسئله وفاداری چین، آن را دلیلی بر تداوم سیاست همکاری با چین معرفی می‌کند.

با عنایت به دیدگاهی که چارچوب ائتلاف حامی در قبال مسئله سیاست خارجی برای تحلیل خرده‌نظام ارائه می‌دهد، می‌توان مفید بودن این چارچوب را در تبیین دلایل تغییر و ثبات سیاست خارجی مشاهده کرد. چارچوب ائتلاف حامی از زمان معرفی تاکنون در حوزه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است، اما همچنان کمبود کاربست آن در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی مشهود است. پژوهشگرانی اخیراً از این چارچوب برای بررسی دلایل تبیین ثبات و تغییر سیاست خارجی استفاده کرده‌اند، اما همچنان این افراد به‌عنوان پیشگامان این روش در حوزه روابط بین‌الملل به حساب می‌آیند و نیازمند کاربست بیشتر این الگو هستیم. امید می‌رود پژوهش حاضر گامی در راستای معرفی این چارچوب برای پژوهش‌های آتی و عالمانه برداشته باشد. در این راستا، عناوین برخی از پژوهش‌های انجام‌شده با چارچوب ائتلاف حامی در خصوص سیاست خارجی مرتبط با کشورهای آسیای غربی جهت بهره‌برداری بیشتر پژوهشگران حوزه سیاست خارجی نیز ذکر می‌شود:

- تغییر و ثبات سیاست خارجی: مقایسه سیاست خارجی سوئیس در قبال آفریقای جنوبی (۹۴-۱۹۶۸) و عراق (۱۹۹۰-۹۱) (هیرشی و ویدمر، ۲۰۱۰)^{۳۷}
- ثبات ائتلاف و تغییر باور: ائتلاف‌های حامی در سیاست خارجی آمریکا و تأسیس اسرائیل (پیرس، ۲۰۱۱)
- تبیین اتخاذ دستورکار (سیاست خارجی) نئومحافظه‌کارانه جرج بوش بعد از حادثه یازده سپتامبر (هار، ۲۰۱۰)^{۳۸}
- درس‌آموخته‌ها؛ سیاست امنیتی آلمان و جنگ در افغانستان (شروئر، ۲۰۱۴)^{۳۹}
- برد و باخت قرارداد هسته‌ای ایران؛ رقابت و ائتلاف‌های حامی چگونه سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهند (لانتیس، ۲۰۱۹)^{۴۰}

³⁷ Hirschi & Widmer

³⁸ Haar

³⁹ Schröer

⁴⁰ Lantis

Resources

- Anadolu Ajansi. (2021). *What are the concerns of Iranian critics of the comprehensive cooperation agreement with China?* Available at: B2n.ir/h82462. [In Persian]
- Ansari, G. (2020). *What is the reality of the 25-year cooperation plan between Iran and China?* The Young Journalists Club. Available at: B2n.ir/mb4401. [In Persian]
- Balzacq, T., Charillon, F., & Ramel, F. (Eds.). (2019). *Global Diplomacy: An Introduction to Theory and Practice*. Springer Nature.
- Bandelow, N. C. (2015). Advocacy Coalition Framework. In *Handbuch Policy-Forschung* (pp. 305–324).
- Cairney, P. (2019). *Understanding Public Policy: Theories and Issues* (Vol. 2). Bloomsbury Publishing.
- Chen, S. (2008). Motivations behind China's foreign oil quest: A perspective from the Chinese government and the oil companies. *Journal of Chinese Political Science*, 13, 79–104.
- Cheng, J. Y. S. (2016). *China's Foreign Policy: Challenges and Prospects*. World Scientific.
- Dinar, A. (2022). *Lecture Notes in Global-Local Policy Interactions*. World Scientific.
- Ehteshami, A., Scita, J., Wang, D., & Houghton, B. (2022). Sino-Iranian relations: From tentative diplomacy to strategic partnership. *Asian Affairs*, 53(1), 1–7.
- Forotan, S. (2022, January 3). *Everything about the 25-year Iran-China agreement*. Islamic Republic News Agency. <https://irna.ir/xjHdqR> [In Persian]
- Funke, N., Huitema, D., Petersen, A., & Nienaber, S. (2021). The roles of experts and expert-based information in the advocacy coalition framework: Conceptual and empirical considerations based on the acid mine drainage case study in Gauteng, South Africa. *Policy Studies Journal*, 49(3), 785–810.
- Ghaheer, H. (2023). *Review of the 25-year Iran-China contract with Dr. Hossain Ghaheer*. Wisdom Network of Tehran University. Available at: B2n.ir/uw7900. [In Persian]
- Haar, R. (2010). Explaining George W. Bush's adoption of the neoconservative agenda after 9/11. *Politics & Policy*, 38(5), 965–990.
- Haar, R. N., & Pierce, J. J. (2021). Foreign policy change from an advocacy coalition framework perspective. *International Studies Review*, 23(4), 1771–1791.
- Hao, Q. (2015). China debates the 'new type of great power relations'. *The Chinese Journal of International Politics*, 8(4), 349–370.
- Hindiani, A., & Afshari Aqdam, E. (2020). Bilateral cooperation between Iran and China and the expansion of economic pragmatism between them. *Political Research in Islamic World*, 10(1), 79–97. [In Persian]
- Hirschi, C., & Widmer, T. (2010). Policy change and policy stasis: Comparing Swiss foreign policy toward South Africa (1968–94) and Iraq (1990–91). *Policy Studies Journal*, 38(3), 537–563.
- Imani, A. (2023). Analysis of the policy of developing relations with new China based on realism theory. *Political and International Researches Quarterly*, 14(53), 57–74. [In Persian]
- Jenkins-Smith, H. C., et al. (2014). Advocacy coalition framework: Foundations, evolution, and ongoing research. In C. M. Weible & P. A. Sabatier (Eds.), *Theories of the Policy Process* (3rd ed., pp. 183–224). Westview Press.
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Lanteigne, M. (2020). *Chinese Foreign Policy: An Introduction*. Routledge.
- Lantis, J. S. (2019). "Winning" and "losing" the Iran nuclear deal: How advocacy coalitions and competition shape US foreign policy. *Politics & Policy*, 47(3), 464–505.
- Litfin, K. T. (2000). Advocacy coalitions along the domestic-foreign frontier: Globalization and Canadian climate change policy. *Policy Studies Journal*, 28(1), 236–252.
- Liu, X. (2016). *Modeling Bilateral International Relations: The Case of US-China Interactions*. Springer.
- Milewicz, K. M., & Snidal, D. (2016). Cooperation by treaty: The role of multilateral powers. *International Organization*, 70(4), 823–844.
- Mossaei, R. (2021). *Comprehensive review of the 25-year Iran-China contract*. The Society of Think Tanks. Available at: <https://iranthinktanks.com/comprehensive-review-of-the-25-year-iran-china-agreement/> [In Persian]
- Mottaghi, A., & Ghareh-Beygi, M. (2015). The strategic place of the Persian Gulf in China's foreign policy. *Iranian Research Letter of International Politics*, 2(4), 70–89. [In Persian]
- Najafi, M., & Hajizade, S. (2023). China's role in the future world order from the perspective of national security of the Islamic Republic of Iran. *Defense Policy*, 31(121), 207–244. [In Persian]
- Olimat, M. S. (2023). China and the Middle East: An overview. In *Routledge Companion to China and the Middle East and North Africa* (pp. 9–24).
- Pierce, J. J. (2011). Coalition stability and belief change: Advocacy coalitions in US foreign policy and the creation of Israel, 1922–44. *Policy Studies Journal*, 39(3), 411–434.

- Pierce, J. J., Peterson, H. L., & Hicks, K. C. (2020). Policy change: An advocacy coalition framework perspective. *Policy Studies Journal*, 48(1), 64–86.
- Sabatier, P. A., & Jenkins-Smith, H. C. (1993). Policy change over a decade or more. *The Nation's Health*, 143–174.
- Schneider, C. J., & Urpelainen, J. (2013). Distributional conflict between powerful states and international treaty ratification. *International Studies Quarterly*, 57(1), 13–27.
- Schröder, A. (2014). Lessons learned? German security policy and the war in Afghanistan. *German Politics*, 23(1–2), 78–102.
- Shafiee, N. (2022). Analysis of the 25-year Iran–China agreement in the light of China's foreign policy developments. *International Political Economy Studies*, 5(1), 175–200. <https://doi.org/10.22126/ipes.2022.7454.1447> [In Persian]
- Siitonen, L. (1990). *Political theories of development cooperation: A study of theories of international cooperation*. World Institute for Development Economics Research, United Nations University. <https://www.wider.unu.edu/sites/default/files/WP86.pdf>
- Simmons, B. A. (1998). Compliance with international agreements. *Annual Review of Political Science*, 1(1), 75–93.
- Takhshid, M. R., & Li, R. (2020). Common interests and common aversions between China and Iran. *Political Quarterly*, 50(2), 483–501. <https://doi.org/10.22059/jpq.2020.301334.1007580> [In Persian]
- Touval, S., & Zartman, I. W. (2010). Conclusion: Improving knowledge of cooperation. In *International Cooperation: The Extents and Limits of Multilateralism* (pp. 227–).
- Weible, C. M., & Jenkins-Smith, H. C. (2016). The advocacy coalition framework: An approach for the comparative analysis of contentious policy issues. In *Contemporary Approaches to Public Policy: Theories, Controversies and Perspectives* (pp. 15–34).
- Weible, C. M., & Sabatier, P. A. (2017). A guide to the advocacy coalition framework. In *Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods* (pp. 149–162).
- Yeo, L. H. (2004). *Asia and Europe: The Development and Different Dimensions of ASEM*. Routledge.